در دفاع از برگزاری مناظره غنی‌نژاد و علیزاده درباره لیبرالیسم و اتهام‌هایش

میزبان؛ برنده قطعی

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

«اجازه بدهید من یک نکته غیر صداوسیمایی اضافه کنم. اولا که از این دعواها نترسیم. هم آقای غنی‌نژاد اهل مناظره است هم من. داریم با همدیگر گفت‌وگو می‌کنیم. من دارم به شـــکلی ارزش ایشـــان را می‌گویم. منظورم این است که نماد آن تفکر اســـت. بحث شخصی نیســـت. یک نکته مهمی وجود دارد؛ اگر ما اینقدر بحث‌مان داغ می‌شـــود، به خاطر کم‌کاری شـــما در صداوسیماست. این بحث را باید ســـال ۶۸ راه می‌انداختید، ســـال ۶۹، ۷۰، ۸۰، ۸۵، ۹۷، ۹۸ و... ســـه دهه بحث‌ها را متراکم کرده‌اید، اجازه اسطوره‌سازی و افسانه‌سازی در آنها را داده‌اید و حالا (تعجب می‌کنید) که چرا بحث ما داغ می‌شـــود. این برای کم‌کاری صداوسیماست.»

این آخرین جملات علی علی‌زاده بود در مناظره‌ای که شـــامگاه سی‌ام شهریور ماه با موسی غنی‌نژاد داشت و برنامه «شیوه» شبکه چهارم سیما میزبانش شد. عطاءالله بیگدلی، مجری برنامه شیوه، وسط حرف‌های علی‌زاده آمد و گفت این نقد را بنده استثنائا گردن می‌گیرم. عبارت استثنائا در جمله او کنایه‌ای نمکین بود به بخشی از بحث‌های تکرارشونده بین علی‌زاده و غنی‌نژاد در طول مناظره. غنی‌نژاد معتقد بود که اقتصاد ایران در دوران پس از انقلاب به شـــکل دستوری (یا چنانکه خود او در گفت‌وگوهای قبلی اشـــاره کرده و بسیاری از همفکرانش مرتب می‌گویند، بنابر سیاق تفکرات چپ و کمونیستی) اداره شده و علی علی‌زاده همچون بسیاری از کسانی که به راست‌گرایی و لیبرالیسم و شعبات آن نقد دارند، می‌گفت که برعکس، از سال ۶۸ به این سو عمده سیاستگذاری‌ها لیبرالیستی، نئولیبرالیســـتی یا به تعبیر کلی‌تر سرمایه‌دارانه بوده است. هر دو طرف در این مناظـــره و پیش از این در اظهارات عمدتا مونولوگ خودشـــان مدعی بودند که طیف مقابل مســـئولیت تاثیر اجرای نظریاتش بر اقتصاد و جامعه ایران را گردن نمی‌گیرد و به طیف مقابل می‌گوید همه چیز تا به حال دست شما بوده است. در مناظره بسیار پرتنشی که چند وقت پیش از این، بین مهدی طغیانی و یاسر جبرائیلی در شـــبکه افق برگزار شـــد هم چنین وضعی را شاهد بودیم. یکی به دیگری می‌گفت طیف شـــما حامی حـــذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی بوده و مسئول تورم موجود است و دیگری می‌گفت اتفاقا این شما هستید که حرف‌تان برش دارد و همین حالا هم ارز نیمایی ۲۸,۵۰۰ تومانی بنا به القائات شما وجود دارد. وقتی مجری برنامه شـــیوه گفت من استثنائا این نقد را گردن می‌گیرم، به شکلی تلویحی به همین فضای دوگانه که هرکس اجرای تز و نظریه طرف مقابل را مســـئول نابســـامانی‌های وضع موجود می‌داند و اتهام طرف مقابل را گردن نمی‌گیرد، کنایه می‌زد. این عبارت اما به طریقه دیگری هم قابل خوانش است. چنین پذیرش صمیمانه‌ای از جانب مجری برنامه شیوه اتفاقا استثنایی در رویه ســـال‌های اخیر صداوسیما بود. چه کسی گفته ما بحث‌های مبنایی حل‌نشده فراوانی در جامعه‌مان نداریم یا لازم نیست به آنها بپردازیم یا باز شدن بعضی از این مباحث ممکن است خطرناک باشد؟ هم مساله داریم، هم این مسائل مهم و تاثیرگذارند و هم در واقع طرح نشدن‌شـــان اســـت که خطر دارد نه طرح آنها. اگر دقت کرده باشـــیم در این چند وقت اخیر چندین و چند مناظره برگزار شـــد که بازتاب اجتماعی فراوانی داشتند. اکثر این مناظره‌ها یا در فضای دانشگاه‌ها شکل گرفت یا در تلویزیون. به یاد بیاوریم که هر دوی این محمل‌ها طی سال‌های اخیر چه وضعیتی پیدا کرده بودند و تا چه حد از رســـالت اصلی‌شـــان فاصله گرفته بودند. دانشگاه تبدیل شده بود به محلی برای برگزاری استندآپ کمدی و جشـــنواره غذا در روز دانشجو و صداوسیما برنامه‌های گفت‌وگومحورش را در اختیار سلبریتی‌ها گذاشته بود که بگویند «تا حالا عاشق شده‌اند یا نه؟» پایین آمدن ســـطح بحث‌ها به نوعی سانســـور نرم مباحث جدی بود. انگار عده‌ای به عمد، بوق‌ها و بلندگوها را به دســـت افراد زردنگار و رسانه‌های زرد داده بودند تا صدای مباحث جدی خفه شود و خیلی‌ها که مقابل آن جریان تعریف می‌شدند هم بازی‌شـــان را خوردند و در پازل آنها قرار گرفتند. گفتند اگر آنها سلبریتی‌ها را پشت خودشان علم کرده‌اند، ما هم می‌گردیم و چند تا سلبریتی خودی پیدا می‌کنیم که حمایت‌مان کنند. اگر آنها سرگرمی‌های پر سر و صدا راه انداختند که کلی آدم دورشـــان جمع کرده، ما هم همان چیزها را به ســـیاق خودمان راه می‌اندازیم. این اما از اساس یک واکنش غلط و به نوعی یک خودویرانگری بود. اگر آنها ســـلبریتی‌های خودشان یا حتی سلبریتی‌های شما را علم کردند، شما می‌بایســـت بازی را به هم می‌زدیـــد و نخبگان و آدم‌های جدی را حتی از طیف خود آنها مطرح می‌کردید. اگر آنها در روز شـــهادت دانشجویان معترض به سفر ریچارد نیکســـن، جشنواره غذا یا اســـتندآپ کمدی در دانشگاه برگزار کردند، شـــما می‌بایســـت مباحث جدی و علمی را به محیط دانشـــگاه برمی‌گردانید. باطل‌السحر آن افیون بزرگی که به جامعه داشت تزریق می‌شد، همین مباحث جدی و کاربردی بود. نباید اجازه می‌دادید سطح بحث را تا جایی پایین بیاورند که صادق زیباکلام و مهدی نصیری از این طرف و علی‌اکبر رائفی‌پور و حســـن عباســـی از آن طرف تبدیل به ســـخنوران و صاحب‌نظران دوران شوند. انقلابی که با بلیغ‌ترین و مبتکرترین نظریه‌پردازان، جریان خودش را شـــروع کرد، نباید کارش به اینجا می‌کشـــید. این وضعیت مبتذل که مقداری از سال ۸۴ به‌بعد به راه افتاد و از ســـال ۹۲ به‌بعد شـــدت عجیبی پیدا کرد، در تمام شئون زندگی ما تاثیرگذار بود، نه‌فقط سیاست و اقتصاد و امثال آن.

وقتی بازدید جوان ۱۶ ســـاله‌ای به‌نام احمد خمینی از یک فیلم ســـینمایی در جشـــنواره فجر، ســـرتیتر خبرگزاری‌های داخلی می‌شد، آن هم به دلیل شهرت اینستاگرامی او در آن دوران نه چیز دیگر، این یعنی باسابقه‌ترین منتقدان سینمایی داشتند اهمیت‌شان را از دست می‌دادند. وقتی یک تستر غذا درباره سیاست حرف می‌زد، یعنی علم و عالم در این کشور داشتند به محاق می‌رفتند. وقتی بازیگران سینما درباره پزشکی و محیط‌زیست و مسائل حقوقی اظهارنظر می‌کردند، یعنی مرجعیت علمی از پزشکان و کارشناسان محیط‌زیست و حقوقدان‌ها گرفته می‌شد و معیار ارزشـــیابی هر سخنی، دیگر اتقان علمی آن نبود، توانایی گوینده‌اش در گرفتن لایک‌های اینســـتاگرامی بود. در این مدت کسانی برای جامعه ما جهت فکری را تعیین می‌کردند که اساسا خودشان را نمی‌شد اهل فکر کردن دانست و شاید به قول فروغ فرخ‌زاد بیشتر قهرمانان ساق و باسن و سینه بودند تا فعالان معتبر هنری. اما این حد از ابتذال که به جان جامعه ما افتاد، تا کجا می‌توانست به‌ســـان یک افیون، روی مسائل اصلی و مهم سایه بیندازد و حواس توده مردم را از آنها پرت کند؟ مســـائل اصلی و اساســـی همچنان بر زمین مانده بودند و نیاز بود که طرح شـــوند اما هیاهوی چنین افرادی و رسانه‌های زرد و حواس‌پرت‌کن اطراف‌شان، اجازه طرح جدی آن مسائل را نمی‌داد. از سال ۹۶ تا به‌حال اتفاقات زیادی در ایران رخ داده که توضیح تک‌به‌تک آنها و تاثیرشـــان بر یکدیگر، شرح جداگانه‌ای می‌طلبد اما هر کدام از آنها یک ردیف از دیوار قلعه اعتبار سلبریتی‌ها را فرو ریختند و آخرین فصل این قصه به اتفاقات پس از شهریور داغ سال ۱۴۰۱ و فوت خانم مهسا امینی برمی‌گردد. حالا همه تشنه بحث‌های جدی بودند و این نیاز عمومی جامعه و به عبارتی تشنگی سوزانش بود که باعث شد بحث‌های جدی مجددا راه بیفتند. برقرار شدن اولین گفت‌وگوهای جدی چنان در فضای جامعه بازتاب و بازخورد پیدا کرد که مشوق موارد بعدی شد و سلسله‌ای از گفت‌وگوها به راه افتاد. حالاست که می‌بینیم چقدر حرف‌های نگفته، انباشت شده بود و هربار که وقت مناظره‌ای تمام می‌شود، چقدر بحث‌ها ناتمام مانده‌اند. علی علی‌زاده در این چند وقت اخیر دو مناظره دیگر هم داشت. یکی با مهدی نصیری و دیگری با صادق زیباکلام. اساسا روش او در مناظره با این دو نفر نسبت به روشی که در برابر غنی‌نژاد انتخاب کرد، متفاوت بود. نصیری و زیباکلام هر دو به لحاظ سواد علمی و قوت استدلال، بسیار ضعیف بودند و به نوعی سلبریتی محسوب می‌شدند. چند وقت پیش از آن هم مهدی نصیری با مهدی خانعلی‌زاده که کارشناس روابط بین‌الملل است، مناظره‌ای در دانشگاه امیرکبیر داشت که به مضحکه شدن او و پیچیدن دو، سه کلیپ چند دقیقه‌ای از این مناظره در فضای مجازی منجر شد. اگر بدون تعارف بخواهیم درباره موضوع صحبت کنیم، مناظره با امثال زیباکلام و نصیری کاربردی جز این ندارد که کم‌سوادی آنها و بی‌قوتی‌شان در استدلال را نمایش دهد و تنها کاربرد علمی و عملی‌اش هرس کردن سلبریتی‌های رسانه‌ای از شـــاخه‌های جدی بحث است. لحظه‌ای تصور کنیم در مناظره با غنی‌نژاد، به جای علی علی‌زاده، علی اکبر رائفی‌پور نشسته بود. طبیعتا نتیجه همان چیزی می‌شـــد که در مناظره خانعلی‌زاده یا علی‌زاده، بـــا نصیری و زیباکلام رخ داد و دستمایه‌ای برای تمسخر بی‌سوادی یک طرف بحث فراهم می‌شد. قبل از اینکه مهم باشـــد در یک مناظره کدام طرف برنده می‌شود یا حتی قبل از اینکه ببینیم از تضارب آرا در یک مناظره چه نتیجه‌ای می‌شـــود گرفت، این اهمیت دارد که سطح بحث کجاست و آیا مخاطبان آن بحث به دلیل شهرت زرد یکی از طرفین، پای آن نشسته‌اند یا به اعتبار علمی‌شان توجه دارند.

از طرف دیگر مناظره‌ای که غنی‌نژاد با مســـعود درخشـــان در چند هفته پیش انجام داد، باعث شد جبهه منتقدان لیبرالیسم، از اینکه چنین نماینده ضعیفی از طرف‌شـــان به این مناظره رفته بود شاکی باشند. مناظره درخشان و غنی‌نژاد نشـــان داد که غیر از ســـطح علمی و مرتبط بودن تخصص و مدرک دانشگاهی اشخاص با مباحثی که در آن مشارکت کرده‌اند، باید به این هم توجه کرد که آیا دوران آن افراد تمام شـــده است یا نه. حالا اما مناظره‌ای برگزار شد که دو طرف آن همدیگر را جدی گرفتند. غنی‌نژاد خودش پیشـــنهاد این مناظره با علی‌زاده را داد چون چنانکه می‌گفت او را موفق‌ترین فرد رســـانه‌ای در ســـال‌های اخیر می‌دانســـت و علی‌زاده هم در طول مناظره، غنی‌نژاد را تا حدی بالا برد و موثر دانست که خود مخاطبش زیر بار نمی‌رفت و تاثیرگذاری‌اش را کمتر می‌دانست. سوای اینکه هر کدام از طرفین ماجرا در این مباحثه مناظره چه گفتند، آنچه این گفت‌وگو را نســـبت به چند مورد دیگری که در این چند وقت برگزار شـــد متمایز می‌کرد، ورود به سطح بالاتر بحث، آن‌هم بین دو نفر کارشناس بود؛ نه دو کارگزار و مسئول حکومتی و نه چهره‌های زرد و کم‌سواد و پرسر و صدا یا شخصیت‌های به‌پایان‌رسیده و تمام‌شده.

۹ گزارش

رئیس مرکز سیمافیلم در نشست خبری:

درهای صداوسیما به روی هیچ‌کس بسته نیست

نخســـتین نشست خبری مهدی نقویان، رئیس مرکز سیمافیلم، یکشنبه ۳۱ اردیبهشت با حضور اهالی رسانه با محوریت معرفی سریال‌های جدید رسانه ملی برگزار شد.

نقویان در ابتدای این نشست با بیان اینکه درباره دوران تحول در صداوسیما زیاد شنیده‌ایم، گفت: «موضوع تحول در رسانه ملی در دو موضوع هویت و عدالت است که در محتوای سریال‌ها جاری شده است. در موضوع هویت، هویت ما ایرانی‌ها را سه شاخصه اسلامی، تاریخی و انقلابی شکل می‌دهد و در نوشـــتن فیلمنامه و شکل‌گیری شخصیت‌هایی با هویت ملی به این شاخصه‌ها توجه شده است.»

با فاصله گرفتن از ملودرام‌های تهرانی انحصار را می‌شکنیم

وی بـــا تاکید بر موضوع عدالت با کلیدواژه شکســـت انحصار و برقراری عدالت، افـــزود: «ما تلاش کردیـــم از ملودرام‌های تهرانی فاصله بگیریم و ســـریال‌های متعددی در ژانرهای مختلف داریم که در بخش عوامل هم، این انحصار شکسته می‌شـــود. پیش از این در حوزه نویسندگی، بازیگری، کارگردانی و تهیه‌کنندگی آثار با تعداد معدودی از افراد ســـاخته می‌شـــد اما حالا شکستن انحصار خیلی جدی اتفاق خواهد افتاد.»

وی افزود: «با جوانانی که تجربه حرفه‌ای و آنتن نداشته‌اند و همچنین پیشکسوتانی که پشت درهای صداوسیما مانده بودند همکاری خواهیم داشت. مرکز سیمرغ هم در این زمینه موثر خواهد بود و سراغ گونه‌های مختلفی که رسانه ملی تولیدات زیادی در آنها نداشته است همچون سیتکام و داکیودرام و تله‌تئاتر خواهد رفت. قطعـــا برای مخاطبان هم ایـــن گونه‌های جدید جذاب خواهد بود و در تولیدات نمایشی اتفاقات ویژه‌ای رخ خواهد داد و این تولیدات در ماه‌های مختلف پیش‌رو پخش خواهند شد.»

اسامی تمام سریال‌هایی که برای تلویزیون تولید می‌شود

نقویان با نام بردن از سریال‌هایی چون «طلاق»، «عاشورا»، «سرزمین مادری»، که ایرادات آن رفع شده و منتظر پخش است، «نیکان»، «ضد»، «مستوران ۲»، «نائله» و «سنجرخان»، این آثار را در نوبت پخش معرفی کرد و از آثاری که در مرحله تولید هستند هم به «سلمان فارســـی»، «محرمانه»، «بازپرس»، «مهیارعیار»، «رخنه»، «رحیل»، «بچه محل» و «هادی» اشاره کرد.

به گفته او ۱۴ ســـریال هم در مرحله پیش‌تولید است؛ از جمله «موسی»، «ترور»، «غریبه»، «تانک‌خورها»، «۲۰ کووید»، «پردیســـان»، «دروازه بهشت»، «رویان»، «عفیف»، «طوبی»، «گاندو ۳»، «رستگاری»، «مسیر اصلی» و «آقای گرفتار ۳».

نقویان یادآور شد: «همچنین ۱۵ فیلمنامه مشغول نگارش هستند؛ «شاه چراغ»، «قول مردونه»، «ماه عسل»، «هنگامه»، «کوه مرا صدا زد»، «بارش تند»، «مقامات انقلاب»، «کوپه شـــماره ۸»، «دشتســـتان»، «پریزاد»، «لمندگان»، «رو به موت»، «سبزوار»، «سرباز کوچک امام» و «روزهای لاجوردی».

وی با بیان اینکه بحث ژانرهای مختلف برایمان مهم است، در توضیحات دقیق‌تر ســـریال‌های نامبرده گفت: «از جمله این آثار، ۶ سریال دفاع مقدس، ۷ سریال تاریخ معاصر و انقلاب، ۹ سریال اجتماعی و سبک زندگی، ۳ سریال امنیتی، ۳ سریال درباره مبارزه با فساد، ۸ سریال تاریخی، ۲ سریال درباره مدافعان حرم، ۵ سریال طنز و ۳ سریال علمی هستند و شاهد تنوع ژانری هستیم.»

هر وزارتخانه بودجه تولید یک سریال را کنار بگذارد

نقویـــان درباره تولید ســـریال‌های الف گفت: «به‌هرحال صداوســـیما کارهای منحصربـــه فردی در دوره‌های مختلف انجام می‌دهد و ســـریال‌های الف ویژه و فاخر را در جایی به جز تلویزیون نمی‌توان انجام داد. مثلا «سلمان فارسی» جزء دو ســـه تا پروژه ســـنگین دنیا است و حتی تجربه تماشای پشت‌صحنه تولید آن هم منحصربه‌فرد است. کار در حوزه الف ویژه عزمی می‌خواهد که خارج از اراده حتی صداوســـیما است و عزم ملی می‌خواهد. مثلا نمایندگان محترم مجلس و کمیسیون فرهنگی از همین سریال «سلمان فارسی» حمایت ویژه کرده و هرچه حمایت‌ها بیشتر شود دست صداوسیما پرتر است.»

وی افزود: «حدودا ۲۰ فیلمنامه الف ویژه موجود و آماده تولید است که از جمله آنها می‌توان به «پوریای ولی»، «حضرت معصومه»، «خواجه نصیرالدین طوسی» و «ســـعدی» اشاره کرد که تولید آنها اراده ملی می‌خواهد. اگر بخواهیم تولیدات اینچنینی را افزایش دهیم امیدوارم حمایت‌ها هم بیشتر شود. ما همچنین پیشنهاد عملی از طرف صداوسیما به دولت داریم و پیشنهادمان این است که هر وزارتخانه بودجه تولید یک فیلم و یک سریال را کنار بگذارد.»

درهای سازمان به روی هیچ‌کس بسته نیست

رئیس سیمافیلم با بیان اینکه درهای سازمان به روی هیچ‌کس بسته نیست، در پاسخ به سوال یکی از اهالی رسانه گفت: «سیروس مقدم پشت در نمانده و جزء کارگردان‌های درجه‌یک تلویزیون اســـت که تجربیاتش به درد رسانه می‌خورد و کارهای پرمخاطبی می‌ســـازد. برای ادامه ســـریال «پایتخت» هم هیچ رویکرد منفی نداریم و نگاه‌مان به ادامه ســـریال‌های این جنسی است که قومیت‌های مختلـــف را دربرمی‌گیرد. اما از طرف آقای مقدم طرح فیلمنامه‌ای ارائه نشـــده که بررسی شود.»

سریال‌های بزرگ کارگردان‌های بزرگ می‌خواهد

وی ادامه داد: «سیاست تلویزیون این نیست که کارگردان‌های پیشکسوت را کنار بگذارد و منظور از سلبریتی‌زدایی هم این نیست. به هر حال نیروهای جدید باید رشـــد پیدا کنند و همزمان و همگام با جریان تولید نیروهای جدید هم رشد پیدا خواهد کرد اما درباره الف ویژه آثار به ۵، ۶ سال زمان تولید و پیش تولید طولانی نیاز دارند، عوامل و بازیگران بسیاری در آنها حضور پیدا می‌کنند و به همین خاطر کارگردان‌های باتجربه‌ای لازم دارند.»

سریال عیاری احتمالا به خارج از تلویزیون واگذار می‌شود

نقویان درخصوص ســـریال بلاتکلیف کیانوش عیـــاری نیز توضیح داد: «قبل از حضور من در ســـیمافیلم برای ســـریال «هشتاد و هفت متر» تصمیم‌گیری شده و ماه گذشـــته نیز جلساتی با آقای عیاری داشتیم و درخصوص آن تصمیم‌گیری می‌شود. این سریال احتمالا به خارج از تلویزیون واگذار می‌شود.»

وی بـــا بیان اینکه بار بزرگی بر دوش رســـانه ملی در حـــوزه فرهنگ و تاریخ قرار دارد، یادآور شد: «خارج از تلویزیون تولیدات نمایشی به این موضوعات توجهی نمی‌کننـــد چون هزینه‌های هنگفتی دارد. بنابراین تلویزیون باید این هزینه‌ها را انجام بدهد. دغدغه ما اســـت که از هویت ملی خود فاصله نگیریم و برای همین الف ویژه قله تولیدات رســـانه ملی با این نگاه هویت‌ســـازی شده‌اند و به مفاخر ایران و اسلام می‌پردازد.»

تلویزیون مثل بچه‌پولدارها سریال پخش می‌کند

نقویان درباره پخش نکردن تیزر برای ســـریال‌ها از تلویزیون گفت: «متاســـفانه تلویزیون مثل بچه پولدارها سریال پخش می‌کند و چندده میلیارد هزینه کرده اما آن را بدون یک تیزر پخش می‌کند. در این خصوص طراحی سایت سیمافیلم هم در حال انجام است و ما در یک اتاق شیشه‌ای اطلاعات آثارمان را به مخاطبان ارائه خواهیم داد. نقدهای شما اهالی رسانه هم به کیفیت تولیدات کمک می‌کند.»

وی ادامه داد: «ما پیشنهاد تولید یک برنامه تلویزیونی با موضوع نقد سریال‌های تلویزیون، پلتفرم‌ها و ســـریال‌های خارجی همچـــون برنامه هفت را داده‌ایم که نمی‌خواهیـــم در آن از خودمان تعریف کنیم و می‌خواهیم نقد کنیم. به هر حال تلویزیون ســـالی ۳۰، ۴۰ سریال می‌ســـازد و جایی به حجم تولیدات تلویزیون نمی‌رسد و اینکه فکر کنیم عقب هستیم درست نیست.»

تمایل‌مان برای اســـتفاده از بیلبوردها به معنای کم شـــدن مخاطب نیست

رئیس مرکز ســـیمافیلم از راه‌اندازی شـــورای تبلیغات در ســـیما فیلم خبر داد و گفت: «اگر لازم شـــد از ظرفیت تبلیغات شـــهری هم استفاده می‌کنیم. هرچند که رســـانه ملی برای شبکه‌ها پخش تیزر و تبلیغات را دارد اما به نظرم رسانه ملی از بیلبورد شـــهری هم می‌تواند استفاده کند. البته نمی‌خواهیم این جریان را راه بیندازیم که چون رسانه ملی مخاطب ندارد تبلیغ می‌کند. این گونه نیست. اصلا کار رســـانه‌های معاند علیه تلویزیون یا حمله آنها به هنرمندانی که در تلویزیون کار می‌کنند برای همین مخاطبی اســـت که رسانه ملی دارد. به‌هرحال در دنیا دچار تحول مخاطب هســـتیم اما تلویزیون همیشه مخاطب داشته و معتبرتر از رسانه‌های دیگر بوده است.»